

آنچه در حاشیه تئاتر «آدم خوارها» اتفاق افتاد با واکنش های زیادی همراه شد

خاک صحنه گل شد



ایمان عظیمی خبرنگار

حضور بلاگرها یا به زبان خودمانی تر شاخ های اینستاگرامی در فضای تئاتر این روزها در قالب نمایشنامه خوانی «آدم خوارها» داد خیلی ها را درآورده و از مخاطبان جدی این هنر گرفته تا بازیگران معروف را به واکنش در رابطه با این مساله واداشته است. حضور شاخ های مجازی و اثرپذیری فضای هنرهای نمایشی از اینفلوئنسرها در یکی، دوسال اخیر شدت بیشتری گرفته است. پیش تر نیز با میدان داری امثال «گل منو اذیت نکنین» «ها تا جای ممکن عرصه صحنه را به ابتذال زندگی پست مدرن آغشته کرده بود و در این مرتبه نیز بهتر است عاری از هرگونه شگفت زدگی به این پدیده نگاه کنیم و به تحلیل پله به پله آن بپردازیم.

وقتی کیفیت فدای کمیت می شود

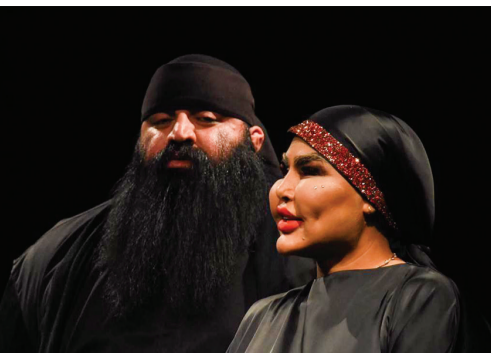
دولت در طول سالیان گذشته تصمیم گرفت تا تصدی گری خود بر فرهنگ را به شکل چشمگیری کاهش دهد و عرصه را برای حضور روزافزون سرمایه گذاران در این زمینه فراهم کند. پای پول که به قضیه باز شد رفته رفته همه چیز را زیر سیطره پرصلابت خود مدفون کرد. در این شرایط بود که گروه های نمایشی برای اینکه اجرای صحنه ای تئاترشان با وقفه مواجه نشود و بیشتر بتوانند به کار و فعالیت بپردازند، تصمیم گرفتند که راه خود را از پیشینیان خود جدا کنند و ادامه حیات شان را به خواست صاحبان سرمایه پیوند بزنند. درحقیقت تصمیمات دولت منجر شد که فرهنگ از معنا تهی و تمام اهداف به سمت پول و کسب سود و منفعت شخصی خلاصه شود. بازار قواعدش را به هنر تحمیل کرد و برای مدتی با کجوب بازیگران شاخص سینمای جریان اصلی به تئاتر بهاری هرچند کوتاه مدت را به این حوزه آورد که معلوم بود با مصرف جذبایش برای بیننده دیگر نمی تواند به حضور افراد برای پر کردن سالن ها از تماشاگر دلخوش کند. گریابی و جاذبه استفاده از چهره ها که ته کشید، دست گروه های تئاتری برای مرتفع کردن دخل و خرج خود یا رسیدن به آرزوی محال سود، خالی شد و آنها تنها راه چاره را در پیگیری این واقعیت دیدند که از شاخ ها و بلاگراهای مجازی - که تازه فرصتی

برای دیده شدن پیدا کرده بودند - استفاده کنند و با هر ضرب و زوری که شده به حیات شان ادامه دهند.

می توان به کارورزان عرصه تئاتر این حق را داد که آنها چاره ای جز پیروی از واقعیت این روزها ندارند و برای حضور در چنین شرایطی باید دست به هر کاری بزنند تا حداقل کمیت را همچون کیفیت از دست ندهند. اقتصاد نابه سامان و وضع بد معیشت مردم در این روزگار نیز باعث شده محتوای سبب فرهنگی شان در مقایسه با گذشته خالی تر به نظر برسد و کمتر برای رفتن به تئاتر و تماشای یک نمایش عمیق و گاه غامض هزینه مصرف کنند و اگر هم تئاتر را بزرگ بینند به تماشای آثاری می روند که بتواند برای لحظاتی هم که شده آنها را از غم زندگی در شرایط سخت اقتصادی جدا کند تا در اتمسفری شاداب تر دغدغه های روزمره اش را به باد فراموشی بسپرد. از زمانی که مرجعیت فکری عوام به بلاگرها و شاخ های اینستاگرامی سپرده شد باید این احتمال را می دادیم که آنها به مرور تمام عرصه ها را درزورند و حضوری گسترده تر را در حیات اجتماعی مردم ایران تجربه کنند درواقع کمی تعجب برانگیز است که بخشی از کاربران فضای مجازی به میدان داری این روزهای بلاگرها واکنش نشان می دهند. البته این نکته را نیز باید لحاظ کنیم که این تنها در ایران نیست که چنین اتفاقی روی داده است، بلکه ورود افراد عادی به حوزه ای که هیچ تخصصی روی آن ندارند در دیگر نقاط دنیا هم تجویز شده است و ما در کشور تنها به دنبال پیاده کردن آن ایده ها هستیم.

نظارت دولت؛ حلقه مفقوده

طبیعتا وقتی جذب سرمایه در تئاتر به عنوان اولویت همه فعالیت ها قرار می گیرد دستان نیرومندی نظارت نیز بی بنیه تر از پیش به کارش ادامه می دهد. وقتی هم که ابزار تولید یک کار خوب از بد دولت خارج می شود افراد نیازی نمی بینند که برای ادامه کارشان نظر حاکمیت را جویا و وقتی برای باید ها و نبایدها قائل شوند. دستگاه نظارتی به عنوان ابزار دست قانون، در ابتدا به متن نمایشی که قرار است اجرا شود در صورت رعایت موازین مربوط مجوز می دهد ولی وقتی سالن های خصوصی با تدریس و تقلب سر قانون کلاه می گذارند و پیش از هر چیز با هنرمند برای اجرای متنش قرارداد می بندند تیغ نظارت نیز دیگر نمی برد و قانونگذار و ضابط قانونی اش در صورت عدم اعطای مجوز با داد و قال



راهکار چیست؟

در فضای مغشوش فعلی تنها می توان به مسکن های مقطعی فکر کرد و روی زخم های جامعه تئاتر مرهم موقتی گذاشت. یکی از این راه ها را می توان عرضه سوپساید به تئاتر دانست تا این هنر برای مدتی هم که شده به ریل خود بازگردد و به راهش ادامه دهد. در گفت و گویی که محمود سالاری، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ایرنا داشته، اظهار کرد که تاکید شخص وزیر بر افزایش مطلوب بودجه تئاتر است و تجهیز و بهسازی سالن های تئاتری که در اختیار این وزارتخانه قرار گرفته به عهده این نهاد قرار دارد. اما اگر بخواهیم کمی به آرمان هایمان فرصت عرض اندام بدهیم باید این نکته را عنوان کنیم که ساخت سالن تئاتر توسط دولت هم باید در دستور کار قرار بگیرد تا هنر نمایش بدون وقفه به حیاتش ادامه دهد. واقعیت این است که بودجه دهی به مجموعه های هنری مثل تئاتر وضعیت مطلوبی ندارد. سالاری در گفت و گویی که هم با «فرهیختگان» داشت در پاسخ به این سوال که بودجه دولت برای بخش هنرهای نمایشی چقدر است، گفت: «سال ۱۴۰۱ اعتبار ما برای حمایت و تولید در عرصه تئاتر، ۴۰ میلیارد تومان بود، یعنی به اندازه یک بلیت سینمایی». تئاتر به مثابه هنر در تمام دنیا برای ادامه دادن به زیستش احتیاج به حمایت های دولتی دارد تا صرفا خواست سرمایه خوارها فعال مایشاء میدان نباشد و هنرمندان واقعی خانه نشین نشوند. اگر این اتفاق بیفتد آن وقت کمتر شاهد تماشای آدم خوارها روی صحنه تئاتر خواهیم بود.

به خاطر یک دستمال ...



هومن جعفری خبرنگار

در تمام زندگی ام فقط یک بار فرصت دست داد تا عازم بوشهر شوم. خبرنگار ورزشی جوانی بودم که برای یک مسابقه فوتبال، عازم این شهر شدم. یادم نمی رود چقدر شهر زیبا و دوست داشتنی و لذتبخشی بود. ساحلش از یادم نمی رود. یکی از شهرهایی است که باید سر فرصت بروم و کشفش کنم. من «فن» بوشهر نیستم به این معنا که بدانم وقتی به شهر وارد شدم باید کجا بروم و در کدام هتل اقامت کنم و کجا چه بخورم و چه ساعتی کجای شهر باشم که بیشتر خوش بگذرد. هنوز پیش نیامده و دست نداده که با این شهر به اندازه ای آشنا شوم که باید. با این همه، گوشم به نوای بوشهری آشناست. طعم غذایشان زیر زبانم هست، صداایشان و تصویرشان را شنیده ام و دیده ام. بوشهر از نظر من یک شهر تمدنی است. برای خودش فرهنگی دارد و این فرهنگ را با مولفه هایی از فرهنگ های دیگر تلفیق کرده و یک محصول کامل



تحویل شهروندان خودش داده. بسیار در این حوزه کم-سودم اما این را مثال می زنم برای آنکه حرفم بیشتر برای مخاطب قابل درک باشد. موسیقی بوشهری را نگاه کنید. «فلامنگو» دارد. «جز» دارد. شاید حتی موسیقی «راگا» هم داشته باشد. سنتی و دشتی هم دارد. «ابراهیم منصفی» را هم دارد که برای خودش یک سبک مجزاست. حالا به اینها نوحه بوشهری را هم اضافه کنید. موسیقی بوشهری حتی فرهنگ عاشورا را هم به خودش اضافه کرده و با آن دادوستدی داشته. این مردم نفس شان با ریتم و تمپو و موسیقی گره خورده انگار. بوشهر برای من شهری است که باید در آن زندگی کنم. مثل رشت و شیراز و اصفهان و مشهد و شهرهای دیگر. از آن شهرهاست که فکر می کنی می توانی به تو تجربه زیستی متفاوت بدهد. با آن آدم ها در آن شهر و در آن اتمسفر زیستن، به تو ارزش افزوده ای می دهد که منحصر به فرد است. بعضی شهرها طعم دارند و طعم شان ماندگار است و بوشهر یکی از آنهاست. سخن طولانی شد. برویم سراغ بحث. من کاری ندارم فستیوال کوچک که هفته پیش در شهر بوشهر توانست رنگ اختتامیه را ببیند را چه کسانی و به چه دلیلی خراب کردند. اما از این تفکر که از فرهنگ بومی یک منطقه یک دیگری می سازد و با آن مقابله می کند بسیار می ترسم و باید یادآوری کنم که مردمان، در شهرهای خود فرهنگ و سنتی دارند که محترم مرده شود. تلاش برای تعطیل کردن یک فستیوال موسیقی، ضررش برای دین و دولت و نظام بیش از آن است که حالا وسط موسیقی چهار نفر هم زیادی از خودشان بیخود شوند! آن چهار نفر را کسی نمی بیند غیر از چشمان عیب جوی آقایان اما خبر تعطیلی اختتامیه فستیوال کوچک را همه جا با آب و تاب کار می کنند که بفرمایید و ببینید که اینها در ایران دشمن فرهنگند و حتی به شهرهای خودشان و موسیقی خودشان هم رحمی ندارند. ای کاش کمی حواس مدیران در تدبیر شرایط فرهنگی به گونه ای بود که برای یک دستمال قیصره به را آتش زنند تا مردمان را بیش از این به دوراهی خودی و غیرخودی سوق داده باشند.

آنتونی هاپکینز بازیگر فیلم اقتباسی شد



به گزارش خبرنگاری مهر به نقل از ددلاین، آنتونی هاپکینز بازیگر برنده جایزه اسکار پس از آخرین باری که در فیلم «آخرین جلسه فریود» در نقش زیگموند فریود جلوی دوربین رفت، اینک قرار است در «چشم هایی در درختان» بازی کند. این فیلم اقتباسی از رمان کلاسیک «جزیره دکتر مورو» نوشته اچ جی ولز است و به کارگردانی تیموتی وودوارد جونز ساخته می شود. در این فیلم، هاپکینز ژنتیک دانه را به تصویر می کشد که پس از اینکه دولت بودجه تحقیقات او را متوقف کرده، منزوی شده است. بعدها، دو فیلمساز مشهور و خدمه شان سفری اکتشافی را آغاز می کنند، اما درمی یابند که گشت و گذارشان به نبردی برای بقا نه تنها برای خودشان، بلکه برای کل نسل بشر تبدیل شده است. جزیره دکتر مورو یکی اثر علمی تخیلی مهم است که سال ۱۸۹۶ منتشر شد و الهام بخش بسیاری از اقتباس های سینمایی در طول سال ها بوده و «جزیره ارواح گمشده» در سال ۱۹۳۲ و «جزیره دکتر مورو» در سال ۱۹۷۷ با بازی برت لنکستر از جمله فیلم های اقتباسی از رمان ساخته شده اند. مشهورترین این اقتباس ها فیلمی به همین نام در سال ۱۹۹۶ با بازی مارلون براندو و وال کیلر است که با توجه به مسائل مربوط به بازیگران، آب و هوا و بودجه، یکی از ناموفق ترین تولیدات تاریخ سینما باقی مانده است. فیلمنامه چشم هایی در درختان را رابرت هیسون اسمیت نویسنده «جایی که چیزهای ترسناک وجود دارند» و مایک مینینگ نویسنده «پسر جنوب» نوشته اند. هاپکینز که چند سال پیش دومین اسکار خود را برای بازی در نقش پدر اولیویا کولمن در فیلم

«پدر» ساخته فلوریان زلر دریافت کرد، در فیلم بعدی زلر به نام «پسر» و درام «آرماگدون» جیمز گری هم بازی کرده است. در فیلم بعدی او «یک زندگی» جیمز هاوز که امسال به نمایش درمی آید وی در نقش سر نیکلاس وینتون، دلال بریتانیایی سهام که بیش از ۶۰۰ کودک را از چکسلواکی اشغال شده توسط نازی ها در ماه های منتهی به جنگ جهانی دوم نجات داد، دیده می شود. این فیلم که در جشنواره تورنتو ۲۰۲۳ بازی اولین بار دیده شد، در بهار پیش رو اکران می شود. وودوارد کارگردان برنده جایزه امی و جوایز دیگر برای سریال «استودیو سینتی»، سازنده کمدی ترسناک «تا وقتی که مرگ ما را از هم جدا کند»، فیلم ترسناک «تماس» و «وسترن «بیگانه» بوده است.

علیرضا قربانی می تواند از لغوکنندگان کنسرتش شکایت کند



کامیاب نوروزی، حقوقدان در گفت و گو با خبرنگاران این با اشاره به لغو کنسرت علیرضا قربانی در شهر اصفهان گفت: «برگزاری تئاتر و کنسرت و نمایش فیلم در ایران تابع مقررات خاصی است، ازجمله اینکه برای اجرای کنسرت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ادارات کل استانی باید مجوز صادر کنند، اما سال های طولانی و یعنی بیش از دو دهه و شاید بیش از ربع قرن است که گروه هایی بدون اختیارات قانونی با اعمال فشار و زور از برگزاری این کنسرت ها جلوگیری می کنند و فشار وارد می کنند که این کنسرت ها لغو شود. زمانی که یک کنسرت مجوز قانونی برای برگزاری دارد، لغوش مثلا به دلیل حضور یک نوازنده زن کاملا غیرقانونی است، چون هیچ قانونی در ایران وجود ندارد که نوازندگی زنان را در کنسرت ها ممنوع کرده باشد و هیچ فتوای شرعی هم در این زمینه وجود ندارد. کسانی که مدعی اجرای دین و مذهب و احکام هستند تا به حال نتوانسته اند یک فتوای شرعی اقامه کنند که در آن یک مرجع تقلید معتبر گفته باشد: حضور نوازندگان زن در کنسرت ها خلاف شرع است. من در یکی از اخبار شنیدم یکی از کسانی که در لغو کنسرت علیرضا قربانی مداخله داشته، ادعا کرده علما نظر داده اند حضور نوازنده زن در کنسرت ممنوع است، اما واقعا چنین فتوایی وجود ندارد و اگر وجود دارد باید اعلام کنند کدام مرجع تقلید و یا چه فتوایی چنین حرفی زده است؟» او همچنین گفت: «این نوع جلوگیری از اجرای کنسرت، به عنوان ممانعت از حق قابل پیگیری قانونی است و همچنین ماده ۵۷۰ قانون مجازات به آن اشاره کرده

است. جلوگیری از حقوق اساسی که قانون مقرر کرده از قبیل موضوعات قابل تعقیب و پیگیری است، چون برای جبران خسارات وارده هم مسئولیت کیفری و هم حقوقی ایجاد می شود. البته همان طور که عرض کردم اینکه چگونه و با چه کیفیتی به این قبیل شکایات رسیدگی شود، بحث دیگری است، اما از لحاظ حقوقی این قبیل موارد قابل شکایت در مراجع قضایی است.» پس از حواشی زیاد لغو کنسرت قربانی برای سومین بار در اصفهان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر لزوم اجرای قانون رسمی کشور و تمکین به مجوز صادر شده این وزارتخانه برای کنسرت، سه شنبه شب ۱۵ اسفندماه، کنسرت علیرضا قربانی با حضور نمایندگان وزارت ارشاد برگزار شد.